

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۲۵

نوشته: ناصر اوریا

علامه عبدالشکور رشاد (۱۴ نومبر سال ۱۹۲۱ – اول دسمبر سال ۲۰۰۴)

جناب ناصر اوریا فرزانه هموطن نهایت وطن دوست با پشتکار و مبتکر مطالبی در معرفی نخبه گان کشور تهیه نموده و در صفحات انترنتی می گذارند که من با تمام احترام و ارج گذاری به زحمات شان آن سطور زیور و گوهر گونه را در مورد استاد معظم پوهاند عبدالشکور رشاد پیشکش شما عزیزان می نمایم. احسان لمر



شاه امان الله خان خطاب به عبدالشکور رشاد خورد سال در سفر شان در قندهار فرمودند: **"فقط برای دیدن تو آمده ام"**

آیا شاه امان الله **"علامه"** را در پیشانی علامه رشاد می دید؟ مقوله عربی **"موت العالم موت العالم"**
{مرگ عالم، مرگ عالم است}، **{د عالم مرینه د نری مرینه ده}**

مرحوم اکادمیسین پوهاند عبدالشکور رشاد فرزند مرحوم عبدالغفور، یکی از سرمایه های ملی و شخصیت والای علمی، کلتوری، ادبی، اجتماعی و سیاسی افغانستان به تاریخ چهاردهم نومبر سال ۱۹۲۱ (۲۳ عقرب ۱۳۰۰ هجری شمسی) در ولایت تاریخی قندهار چشم به جهان گشود. وی به تاریخ اول دسمبر سال ۲۰۰۴ (۱۱ قوس سال ۱۳۸۳ هجری شمسی) در شهر کابل در شفاخانه سردار محمد داود خان چشم از جهان بست و در محوطه پوهنتون قندهار به خاک سپرده شد.

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

این شخصیت سترگ علمی و فرهنگی افغانستان در ۸۳ عمر پر بارش علاوه بر تربیه فرزندان وطن و دیگر خدمات ارزشمند، بیشتر از صد اثر ناب چاپ شده و چاپ نشده تحریر و تقدیم جامعه نموده است. وی از آوان طفولیت استعداد فوق العاده داشت و نکاویت و لیاقتش به حدی بود که هنگامی که شاگرد مکتب بود شاه امان الله از صنف شان دیدن نمود و برایش گفت که: **"فقط برای دیدن تو آمده ام."**

عبدالشکور رشاد در سن پنج سالگی آموزش قران کریم را به اتمام رسانید و کتاب های مروج آن زمان (بوستان، گلستان، دیوان حافظ و کتاب های فقهی) را نزد پدر آموخت. در سال ۱۹۳۳ از صنف ششم مکتب فارغ و یک سال بعد به سن ۱۳ سالگی به حیث معلم مقرر گردید که به نام "کوچنی معلم" شهرت یافت. در سن ۱۳ سالگی قریحه شعری اش را آزموده و هفده ساله بود که برای بار نخست اشعارش و نخستین نوشته تحقیقی اش در سال ۱۹۴۱ میلادی در جریده "طلوع افغان" به نشر رسید. در سال ۱۹۴۶ که ۲۶ سال داشت به صفت رئیس منتخب انجمن شاروالی قندهار انتخاب و در سال ۱۹۴۷ به حیث معاون شاروال قندهار برگزیده شد.

پوهاند رشاد یک سال بعد از آن یعنی در سال ۱۹۴۸ غرض آموزش و کسب دانش و حصول معلومات بیشتر به هندوستان رفت. وی در هند به آموختن لسان های سنسکریت، انگلیسی و زبان هندی پرداخت. وی پس آموزش زبان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

و تحقیق و تجسس در باره تاریخ و ادب پشتون ها در هند، کتاب "لودی پشتهانه" را در ۳۵۱ صفحه و کتاب "سوری پشتهانه" را در ۴۲۵ صفحه به رشته تحریر آورد و در سال ۱۹۵۱ از هند دوباره به وطن عودت نمود. گرچه مرحوم رشاد در سال ۱۹۵۲ میلادی کاندید برای ولسی جرگه بود مگر از اثر مخالفت والی وقت قندهار، نه توانست به پارلمان راه یابد. پوهاند رشاد در سال ۱۹۴۷ و به قولی در سال ۱۹۵۲ به عضویت نخستین حزب منسجم سیاسی افغانستان به نام "وین زلمیان" یا "جوانان بیدار" پیوست. اکادمیسین عبدالشکور رشاد در سال ۱۹۵۷ میلادی عضو و سپس معاون "پنتو تولنه" شد و در همان سال به سمت استاد در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل نیز مقرر گردید. وی در سال ۱۹۶۱ میلادی در انستیتوت مطالعات شرق شناسی سن پترزبورگ شوروی به حیث استاد زبان پنتو کار نمود، و هم زمان در مدت دو نیم سالی که در شهر لنینگراد زندگی کرد، به آموزش زبان روسی نیز پرداخت. پوهاند رشاد در سال ۱۹۶۳ بعد از عودت از سن پترزبورگ در پوهنځی ادبیات پوهنتون کابل به حیث امر دپارتمنت زبان پنتو به کار گماشته شد و از آن زمان تا سال ۱۳۵۷ با کمال صداقت و امانت داری در تربیه اولاد وطن بذل مساعی کرد و ادای دین نمود. وی در سال ۱۹۷۴ رتبه علمی پوهاندی را بدست آورد.

اکادمیسین رشاد در بخش زبان شناسی و در تاریخ افغانستان شخصیت کم نظیری افغانستان و منطقه بود. وی نه تنها به زبان های پنتو و دری تسلط کامل داشت و به زبان دری، پنتو و اردو شعر می سرود، و زبان های عربی، انگلیسی، روسی، هندی، سنسکریت را می دانست. علاوه به زبان های جاپانی و ترکی نیز آشنایی داشت. در علوم اجتماعی مانند تاریخ، ادبیات، فقه اسلامی، علوم سیاسی، عروض، بدیع و بیان لسان های پنتو، دری و عربی نیز درجه استادی داشت. وی بیشترین قسمت زندگی پر بارش را وقف تربیه فرزندان این خطه تاریخی و خدمت به تاریخ، کلتور، ادبیات، و فرهنگ افغانستان نموده است.

وی یک شخص مهربان، صمیمی و خوش برخورد و یک شنونده بسیار خوب بود. از لحاظ سیاسی استاد رشاد شخص آزاد اندیش و از جمله اولین اعضای روشن فکر نهضت "ویش خلمیان" یا "جوانان بیدار" بود. این نهضت سیاسی، در دوره دموکراسی شاه محمود خان و پس از نشر کتاب ویش خلمیان به همت مرحوم عبدالرؤف بینوا در ۱۳۲۶ شمسی رسماً به فعالیت آغاز نمود و اعضای این تشکل سیاسی را افراد و عناصر تحول طلب اعم از روشن فکر، زمیندار و سرمای دار و تجار و از اقوام مختلف افغانستان تشکیل می داد که جهت تنویر افکار جوانان، تعمیم علم و عرفان در کشور، مبارزه با مفسدات اجتماعی و خرافات و فساد اداری، رشوه خواری، اختلاس، بیروکراسی، تامین عدالت، و طرف داری از حقوق مظلومان، استقرار نظام مشروطه، تحکیم وحدت ملی، باز شدن دوازه های مدارس و مکاتب بروی فرزندان کشور تلاش می ورزیدند.

بعد از حادثه هفت ثور ۱۳۵۷ نظر به انزجارش از جو سیاسی حاکم جبراً به تقاعد سوق داده شد ولی پوهاند رشاد علی الرغم شرایط بغرنج و مخالفت با رژیم حاکم، روابط علمی خویش را با پوهنتون کابل و حلقات علمی و فرهنگی اکادمی علوم افغانستان نگه داشت. در این هنگام اکادمی علوم افغانستان از پوهاند عبدالشکور رشاد دعوت نمود تا به حیث کارمند اجیر علمی در رهنمائی محققین تازه کار با آن مؤسسه علمی همکاری نماید که وی نیز این مسولیت را پذیرفت.

پروفیسور رشاد. علاوه بر اشعار، کتاب ها و تألیفاتی به زبان های پنتو، دری و عربی نیز دارند. دانشمند پر افتخار افغان کاندید اکادمیسین اعظم سیستانی Azam Sistani که با پوهاند رشاد شناخت نزدیک کاری در اکادمی علوم افغانستان داشت، می نویسد:

"استاد رشاد انسان کم توقعی بود و غرورش را هرگز به خاطر چاپ کتاب هایش با مراجعه به مقامات وزارت اطلاعات و فرهنگ و یا پوهنتون کابل و یا اکادمی علوم خورد نه می کرد. بیشتر کتاب هایش را شاگردان و ارادت مندان استاد با خواهش و تمنا به چاپ رسانده اند. و به همین علت بیشترین آثار استاد رشاد به گونه قلمی، غیر چاپی بر جای مانده است."

استاد رشاد در ناحیه خیر خانه کابل در یک خانه محقر گلی و غیر صحی زندگی می کرد که هر سال بیش از چهار ماه باریزش چکک برف و باران زندگی پر مرارتی را بسر می آورد. تشویش بزرگ استاد رشاد تلف شدن کتاب هایش از صدمه چکک باران های موسمی بود که جای مناسبی برای نگه داشت سالم کتابخانه خود نداشت. جای آن بود که دولت از این سرمایه گران بهای علمی به نحو شایسته تری نگهداری می کرد و شرایط بهتر کار و زندگی را برایش میسر می ساخت تا با فراغت و امکانات بیشتری بکار های پژوهشی خویش رسیدگی می نمود."

۱ در سال ۱۳۲۵ ش (۱۹۴۵م) رسالت تاریخی و مکلفیت ملی (جوانان بیدار) (ویش خلمیان) مطرح و خواهان نظر منورین و دانشمندان آن زمان گردید، بناها ۴۳ تن دانشمندان دور هم جمع شده بنیاد این حرکت را گذاشتند: اشخاص ذیل مؤسسون و رهبران عمده حزب را در کابل، قندهار و ننگرهار تشکیل می دادند: محمد رسول پنتون، غلام حسن خان صافی، استاد گل پاچا الفت، سید شمس الدین مجروح، عبدالرؤف بینوا، علامه عبدالحی حبیبی، علامه عبدالشکور رشاد، فیض محمد انگار، ارسلان سلیمی، عبدالعزیز خاوری، محمد موسی شفیق، استاد قیام الدین خادم و غیره..... تشکیل می دادند. احسان لمر.

اکرم عثمان نویسنده فقید افغان در باره پوهاند رشاد چنین می نگارد:

«وقتی کسی بخواهد در باره آن بزرگ مرد مطلبی سر کند، در می ماند که زود تر از کدام قابلیتش سخن براند. از تسلط کم نظیرش به زبان های پشتو و دری، از احاطه وسیعش بر علم نحو در زبان عربی، از وقوف حیرت آورش بر ادبیات اردو و هندی و از وسعت اطلاعاتش بر زبان های روسی و انگلیسی. شاعری، روستای کوچکی از قلمرو عریض و طویل شخصیت هنری و ادبی اش بود. کوروش نامه؛ مثنوی گرا، هیجان بر انگیز و بلندش به زبان فارسی- دری است، که سروده ای حماسی، تاریخی و عاطفی می باشد. آن یگانه روزگار ما دیوان مدونی به زبان مادری اش پشتو نیز دارد که از نظر استحکام کلام، لطافت طبع و پروردن معانی بکر در سطح سخن پردازان درجه یک ادبیات غنایی پینتو می باشد...»



استاد رشاد بیشتر آثار و نوشته هایش را در زیر یک سقف گلی و محقر رقم زده اند که همیشه خطر غلتیدنش متصور بود. نگرانی و دل مشغولی دایمی استاد، دفع همان خطر بود که تا آخر بر طرف نشد، چه در زمان حکومت های چپ، چه راست و چه ماورای راست. دل استاد را غم های کوچک و بزرگ دیگری نیز می آزد. یکی این که از دل و جان می کوشید مزار دوست، رفیق و مولایش علامه عبدالحی حبیبی که در گوشه ای از شهدای صالحین، از یاد زمین و آسمان رفته بود تعمیر کند. باری به من گفتند که آن مزار در جوار حظیره خانوادگی شما قرار دارد. باری با آن بزرگوار همراه شدم و به زیارت گور نیمه ویران علامه حبیبی نایل شدیم. نظاره حال پریشان آن خاک متبرک، یاد آور بیت معروف حضرت عبدالقادر بیدل بود که بر لوح مزارش رقم رفته بود:

**بر مزار ما غریبان نی چراغی، نی گلی
نی پر پروانه سوزد، نی نوای بلبل**

استاد فرمودند: برای عمران مقبره علامه حبیبی به سه چهار متر زمین حظیره شما ضرورت افتاده.

گفتم: تمام حظیره نثار گرد مزار حبیبی. سعادت از این بالا تر نیست که مرده های ما زیر سایه مرقد علامه حبیبی بخوابند.

سپس دنیا زیر و رو شد. هر یک دلی به طریقی از خانه و لانه بر کند. اما استاد رشاد چون شیر دروازه آسمایی زیر رگبار راکت و گلوله بماند و خمی به ابرو نیاورد و آن پای مردی و استقامت یاد آور بیت معروف رحمان بابا که:

لکه ونه مستقیم په خپل مکان یم که خزان را باندی راشی که بهار

مردانی چون علامه رشاد و علامه حبیبی زیب و زینت کشور ما بودند و هستند. بدون آن ها فرهنگ ما نمود چندان ندارد. آنها لنگر زمین و لنگر کشور ما بودند. آیا ممکن نیست که فرزندان رشید علامه حبیبی و علامه رشاد و کانون های فرهنگی ما، کار چاپ و تجدید چاپ آثار آنها را در دستور کار شان قرار بدهند و نگذارند که نام و خاطره آن ها از صفحه روزگار زوده شوند.

این دانشمند و محقق خستگی نا پذیر تمام زندگی اش را وقف تحقق مسایل مختلف علمی و کلتوری نموده و آثار جاودان و بی نظیری به زبان های دری و پشتو از خویش بیادگار گذاشته و همه داشته های تحقیقی و علمی اش را با همگان شریک کرده و عواطف انسانی وی حد و حصری نداشت. شماری از آثارش در ذیل ذکر گردیده و به لست کامل آثار و نوشته های اکادمیسین رشاد به بخش اخیر سوانح رجوع شود:

- ۱ - لودی پښتانه، در ۴۲۵ صفحه، چاپ ۱۳۳۶ ش
- ۲ - د امیر خسرو دهلوی شاعری، چاپ ۱۳۵۳ ش
- ۳ - د احمد شاه بابا د دیوان غورچان، چاپ ۱۳۵۹ ش
- ۴ - د ابن سینا د مخارج الحروف پښتو ژباړه، چاپ ۱۳۵۹ ش
- ۵ - د قصه خوانی خونړی پېښه، چاپ ۱۳۶۱ ش
- ۶ - د پتی خزانی فرهنگ
- ۷ - در باره ظفر نامه اکبری و ناظم آن، فارسی، چاپ ۱۳۶۵ کابل
- ۸ - د شعرونو مجموعه
- ۹ - د حاجی جمعه بارکزی د دیوان سریزه او لغتنامه، ۱۳۶۱
- ۱۰ - د احمد شاه بابا د څو اشعارو د پښتو شرحی سریزه، ۱۳۵۶، و ده ها اثر دیگر کتاب های چاپ شده استاد رشاد طبعاً از خطر نا بودی نجات یافته است اما کتب چاپ نشده استاد اگر گم و نا بود گردد مایه اندوه بیحد برای تمام دوستداران کتاب و فرهنگ و لطمه بزرگی به سرمایه فرهنگی و علمی افغانستان خواهد بود.

از جمله کتاب های چاپ نائنده استاد می توان از آثار ذیل نام برد:

- ۱ - پښتانه شعرا په اردو کی، در این اثر ۳۸۳ شاعر پښتون که بزبان اردو شعر گفته اند معرفی شده است.
- ۲ - پښتانه شعرا په دری کی، در این اثر ۲۰۰ تن شاعر پښتون که به زبان دری شعر گفته اند، معرفی شده اند
- ۳ - مستشرقین، در این اثر ۲۰۰ تن از مستشرقینی که در رابطه بزبان های پښتو و دری تحقیقات کرده معرفی شده اند.
- ۴ - ادبی قاموس، این اثر در ۶ جلد ترتیب یافته که مجموعاً در ۳۵۰۰ صفحه تحریر شده است.
- ۵ - پښتانه مصنفین، این اثر در ۳ جلد ترتیب و نوشته شده که ۵۰۰ صفحه را در بر می گیرد.
- ۶ - جغرافیائی یاد داشتونه، این اثر در دو جلد تحریر گردیده که مجموعاً ۷۵۰ صفحه می شود.
- ۷ - د کندهار تاریخی یاد دشتونه، در دو جلد
- ۸ - د احمد شاهی عصر نومیالی، در دو جلد
- ۹ - پښتانه مشاهیر، در سه جلد
- ۱۰ - نسبی شجری، در چهار جلد
- ۱۱ - سل منله په اوه ژبو، در چهار جلد (به زبان های پښتو، دری، انگلیسی، روسی، اردو، ترکی و عربی)
- ۱۲ - د خوشحال فرهنگ، در هفت جلد
- ۱۳ - د فرهنگونو په باب، (شامل فرهنگ های دری، پښتو، عربی، ترکی، هندی) به ترتیب الفبا.
- ۱۴ - بدیع، در ۳۷۱ صفحه
- ۱۵ - بیان، در ۳۷۰ صفحه
- ۱۶ - قافیه، در ۳۰۰ صفحه
- ۱۷ - عروض، دو جلد حاوی ۱۰۱۷ صفحه
- ۱۸ - معانی، در ۳۸۳ صفحه
- ۱۹ - نقد، در مورد ادبیات پښتو، دری و عربی در ۲۲۳ صفحه
- ۲۰ - د زره وینی، لاله، رونی اوشکی (سه مجموعه شعر) و ده ها اثر دیگر.

اکادمیسین رشاد در سال های اشغال شوروی (۱۹۷۹-۱۹۸۹) در کابل ماند و بیشتر نوشته های انتقادی اش در زمان تجاوز اتحاد جماهیر شوروی به دلیل معاذیر امنیتی به نام های مستعار نشر و پخش می گردید. با آن همه مشکلات و تعقیب و تهدید در زمان اشغال روس ها وی در حالی که چندین بار به خارج از کشور منجمله ممالک جاپان، هندوستان، پاکستان، یمن، امریکا، عربستان سعودی و دیگر کشور ها سفر نموده ولی دوباره به وطن برگشت.

پوهاند رشاد می گفت: "وطن را هر کس دوست دارد مگر من بلایش ایمان آورده ام. اگر زنده هم هستم در وطن هستم و اگر مُردم هم در وطن خواهم مرد."

نمونه شعر دری پوهاند رشاد که بعد از فاجعه ثور ۱۳۵۷ سروده بودند:

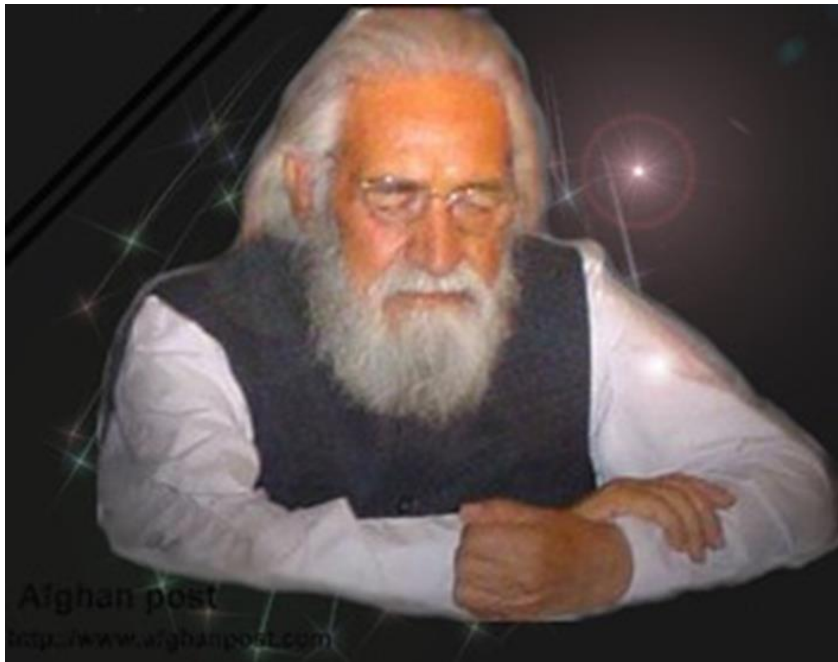
خطاب به افغان

صد حیف که این آمد و صد وای که آن رفت
از دست چنان شاه سواری که عنان رفت
شمری به بهار آمد و شبلی به خزان رفت
بیداد که بر آل محمد ز خسان رفت
بهرام به رقص آمد و ناهید به فغان رفت
تیری شد و با قوت غولی زکمان رفت
دیوی به فسون آمد و خاتم ز میان رفت
اهریمن شر آمد و خیر از سرمان رفت
بومی که چنین آمد و بازی که چنان رفت
شیرینی دین از دهن نسل جوان رفت
واویل که شرک آمد و ایمان ز میان رفت
تنگ است اگر سنت تزویج زنان رفت
دردا که پرند از دم این تیغ بران رفت
از بازوی مردانه اش آن توش و توان رفت
از پنجه این گرد به بازیچه سنان رفت
کوبید به گوشش که وطن از کف تان رفت
ای حارس دین حیف که آن شوکت و شأن رفت

خاک و طنت را به سپردند به کفار
خاکم به دهن خیز که افغان ستان رفت!

جالوت لعین آمد و داؤد زمان رفت
افتاد به گرداب بلا اشهر کشور
شد میهن ما دستخوش آز یزیدان
حجاج ز حیرت به فغان خاست چو بشنید
آغشته به خون دید ز بس کاخ بزرگان
آزادی کشور ز سیه کاری "غادر"
بر گاه سلیمان بنشست از مدد روس
نوری نتوان یافت ازین تیره روانان
محروم شد از فرۀ دین کشور افغان
افسوس کز افزایش صفرای کمونیزم
گشته است درین خطه نگون پرچم اسلام
گر زر و زمین رفت به انـدوه نیرزد
افغان به مثل تیغ و پرندش رگ غیرت
چون سرد شد اندر دل او جذبه ایمان
تیغش بشکستند و شغایش بر بودند
غرق است بخواب خوش و مست از می غفلت
گردید مسلط به وطن فرقه طاغوت

(۱۴ ثور ۱۳۵۷ هجری شمسی، خیرخانه مینه کابل)



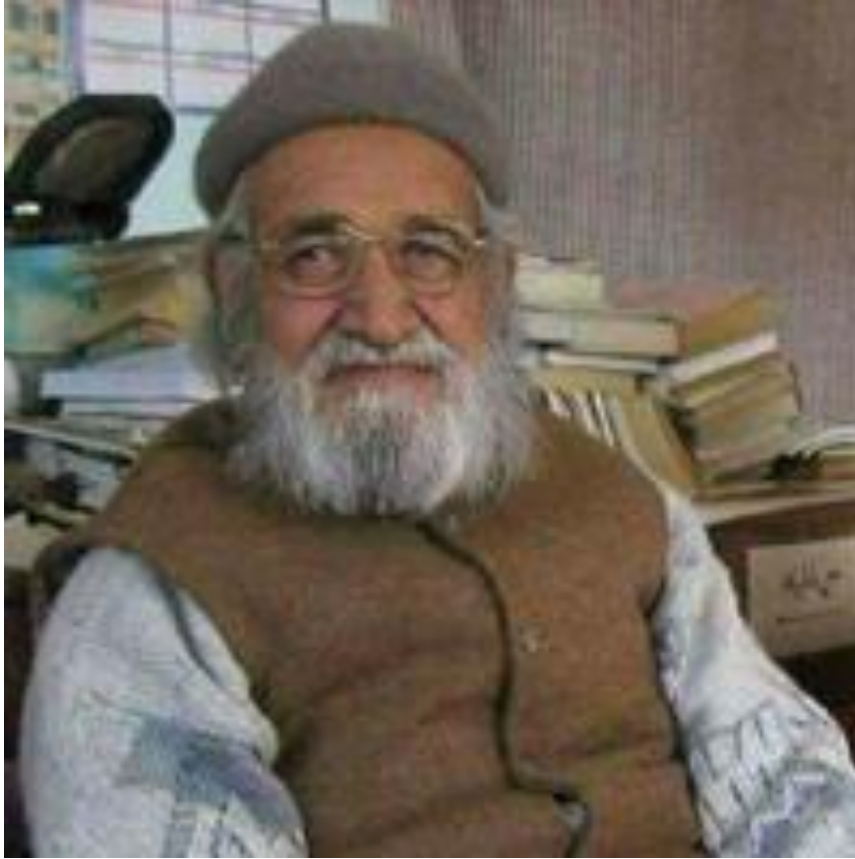
پوهاند رشاد شخصیت متواضع و با وقار و دارای علوی همت والایی بود. غرور انسانی والایی داشت و نزد هیچ قدرت مندی سر خم نه نمود ولی با همه رفتار متواضعانه داشت. استاد رشاد ازدواج نموده بود و پنج دختر و چهار پسر دارد که یک دخترش تا درجه دکترا تحصیل نموده و دو دخترش اشعار زیبا می سرایند. پسرانش همه تا درجه دکترا تحصیل نموده اند.

اکادمیسین پوهاند علامه عبدالشکور رشاد به تاریخ (اول دسمبر سال ۲۰۰۴ مطابق ۱۱ قوس سال ۱۳۸۳ هجری شمسی) جهان فانی را وداع گفته و به ابدیت پیوست و جاودانه نام نیکی از خویش بجا گذاشت. روحش شاد، بهشت برین مکان و یاد کار نامه هایش جاودان باد.

د پانو شمیره: له ۵ تر ۷

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خیر و لولئ



د ښاغلی پوهاند عبدالشکور رشاد د پښتو شعر نمونه:

د وران وطن د خپلواکي تودې نغمې وچاته ؟
دا وسیله د خوار ملت د تیر اُستو د چا ده ؟
په استقلال یی د آزاد افغانستان لوبی کړی ؟
د شپارسم جمهوریت د جوریدو په هلیو ؟
چی یی په غاره د ماسکو د غلامی رشته وه
د روس له یوغه یی آزاد افغانستان نه مانه
په سرو لشکرو یی پا ماله کړ اقبال د وطن؟
د بخت کاسه یی د افغان اولس نسکوره کرله
په زندانو کی یی وراسته کړه مینان د مینی؟
دوی نه وژلو پر هرځای دسرو لشکرو په لاس
د روس لپاره ددی ملک شی و شادی بر بادی؟
پشو ته یی زموز د مریتوب درنی بیړی را ورلی
گلونی وکشله ، اغزی یی په پتو وکسرل
د دی در وهلو ، وطنپالو و کردو ته خیر سی!
د فریبکارو ، غولونکو، مداریانو په خوله
نیرنگو په افسانو ولسی نعمت غولوی
دغو نا سیالو سودا کړی آزادی ده د ملک

د پردی شمعی پتنگانو ته نغ «می مه وایاست
د استقلال له و یاره دکی حماسی مه وایاست

ای شاعرانو ! تاسی وایاست حماسی و چاته ؟
تاسی پوهیزی ، دا دستگاه د رادیو د چا ده ؟
دا هغه نه دی چی په پت یی دافغان لوبی کړی ؟
دا هغه نه دی چی جامونی هسکول د مُلو
چی دروارزه یی د کریملین دعبادت کعبه ده
چی یی آمو د سرحدی لیکي په شان نه مانه
دا هغه نه دی ،چی یی خرج کی استقلال د وطن
د ملک سپوزمی یی د پر دو په تندرو توره کرله
دا هغه نه دی چی یی قتل کړه دوستان د مینی
دوی نه لوتلو د وطن دیرغلگرو په لاس
دا هغه نه دی ، چی یی کرل آبادی بر بادی
دا هغه نه دی ، چی دی ملک تی بریادی راورلی
دلتي تخمونه د نفاق په خرورو وکسرل
ای شاعرانو ! د دی دلی ناکردوته، خیر سی!
گوری تیر نه باسی اولس د دی تگانو په خوله
گوری ، احتیاط کوی په تاسی دا ملت غولوی
وطن پلورونکو خرڅه کړی آزادی ده د ملک

د ۱۳۶۹ لمریز کال د زمري دمياشتی شلمه نیټه، رادیویی مشاعری ته.

ناصر اوریا - ۱۱ - مارچ - ۲۰۱۹ - تکراس

د پانو شمیره: له ۶ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

نوت : چهار قطعه فوتوی آخر را من افزود نمودم. ا. لمر



سال (۱۳۴۶ ش - ۱۹۶۷ م) جلسه هیت رهبری حزب دموکرات مترقی.
فوتو از فیس بوک د کندهار منورین. ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸

د پانو شمیره: له ۷ تر ۷

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ